

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۳ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۲۹

رباعیات

- ۱۳ -

این خال سیه، بر رخ آن سیمینبر

دانی به چه اندازه در آید به نظر
گوئی، که نهال کلک نقاش ازل
بر صفحه در زد نقطه ای از عنبر

از لطف شکورخان، که بادا مسرور

در باغ دلم شگفته گل های سرور
هستم شب و روز نحل سان شیرینکام
از شگر شکر سعی مشکور شکور

ای گنج ذخیره خرد را گنجور

مصبح شفا را ز اشارات^۱ تو نور
جرمی، که ز من سر زد و بودم مجبور
امید، که بخشی و بداری معذور

من ذره بیقدم و لطف تو چو مهر

از خاک مرا رسانده بر اوج سپهر

^۱ "نحل": (بر وزن "نخل" و "سهل") کلمه عربی و در معنای "زنبور عسل" است و "نحل سان"؛ یعنی "مثل زنبور عسل"
^۲ "مصبح" (بر وزن "مقال") کلمه عربی ست و در معنای "قدح و پیاله" ای، که در آن شراب صیوخی خورند. اما "شفا" و "اشارات"
کنایه از دو کتاب مشهور "بوعلی سینا" ست، که در الهیات نوشته است.

صد سال به صد زبان، نیایم بیرون از عهدهٔ لطف، ای شه فرخ چهر
